

## پیام روز جهانی تئاتر سال ۲۰۰۴

تئاتر مادر همه هنرهاست. حقیقتی که کسی آن را انکار نکرده است. اینچنین است که من این متن را به تئاتر تقدیم می‌کنم.

من همواره باور داشتم که ویژگی درام‌نویسان از انسانیت آنها سرچشمه می‌گیرد. پیام آنها باور انسانهاست تا خود را از درون رشد دهند و در مقابله با انجماد سیاسی و سرکوب به رهایی برسند. تا بدین صورت ارزش خویش را لمس کنند. اما این تکالیف در صورتی عادلانه خواهد بود و در صورتی می‌توانند بر انسان‌ها تأثیرگذار باشند که درام نویسان بر وسیله و سبک خویش مسلط باشند. وگرنه پیام آنها بر گذر باد نوشته خواهد شد، بدون نشانی، بدون آنکه هدف را نشان کرده باشد. مانند هر اثر هنری انسانیت با پرداخت هنری والا و اصالت در هم تنیده می‌شود و اینچنین پیام انتقال می‌یابد. اگرچه نادرست خواهد بود که باور کنیم که یکی از این عناصر بردیگری برتری دارند.

برخی در این جا-کشور من- می‌گویند که تئاتر هنرست کامل که نیازی به مواد اضافی دیگر ندارد. اینان می‌گویند دیالوگ‌های آن بایستی قوی، دقیق و شامل شوخی و مزاح باشد. به همین خاطر گفته می‌شود که حضور زن برای تئاتر امری بیگانه است، زیرا زن نمی‌تواند از خود جدا شود و به این دلیل نمی‌تواند بیانگر بی‌طرفی باشد. اما من این نظریه را رد می‌کنم: زن که می‌تواند ۹ ماه زلدگی تازه‌ای را در تن خود حمل کند، همینطور توانست لاشی را در روی صحنه جان بخشد. به یک شرط: او باید یک نمایشنامه‌نویس واقعی باشد.

خوشبختانه تئاتر مدرن خود را از قید تئاتر سنتی رهایی بخشیده است، این تئاتر به عنوان نتیجه مراحل مختلف مدرن‌گرایی ارتقا یافته است. این امر با پیراندلو، برنارد شو، برشت و خیلی‌های دیگر آغاز شد. این مهم برآیند تئاتر معناپاختگی (ابزورد)، تئاتر منفی تا همینطور تئاتر تجربی، پیشرو (آوانگارد) است. امروز دیگر اندک نویسندگانی یافت می‌شوند که بتوان آنها را در بخش تئاتر سنتی جای داد.

امروز در کانون فرهنگی چهره با گنجایش چهل تا پنجاه تماشاگر برای تئاتر و بیش از هفتاد تماشاگر برای فیلم و سخنرانی و موسیقی می‌توان به بسیاری از نیازهای فرهنگی ایرانی‌ها در این شهر پاسخ مثبت داد. سالن نمایش چهره در حال حاضر با داشتن سیستم و وسایل تکنیکی مدرن از امکانات خوبی برای بخش و کنترل نور و صوت برخوردار است

در حال حاضر کانون برنامه‌های فرهنگی خود را در سال جاری تدارک دیده که در آن تئاتر، فیلم، سخنرانی و آموزش از مهمترین برنامه‌های آن هستند. در کنار این برنامه که شرح مفصل آن در برشور چهار ماهه و پوستر یک ماهه کانون دیده می‌شود، پنجشنبه‌ها (از ساعت ۱۸ تا ۲۲) نیز برنامه‌ای با عنوان «باتوق ایرانی» تدارک دیده‌ایم که هدف آن ایجاد محیطی گرم و صمیمی برای دیدار دوستان ایرانی است. در روزهای باتوق مطبوعات، روزنامه‌ها و جنگ‌های فرهنگی، سیاسی به رایگان در اختیار علاقمندان فرار می‌گیرند. همچنین در این روزها می‌توان شطرنج و تخته نرد بازی کرد و به تماشای فیلم سینمایی نشست.

امید ما این است و خواهد بود که «کانون فرهنگی چهره» مرکزی برای تجمع فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و هنری باشد و بتواند از این راستا به بخشی از نیازهای روحی ایرانی‌ها پاسخی درخور بدهد.

کانون فرهنگی چهره بدون مخاطب، بدون همکاری، همیاری شما نخواهد توانست گامی به پیش بردارد، از همین رو امید ما به شماست. با ما تماس بگیرید، با ما همکاری کنید. آرزوهای فرهنگی ما را با همکاری و یاری خویش به واقعیت پیوندانید.

با سپاس از توجه شما!

اصغر نصرتی

کلن، مارس ۲۰۰۴